

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 7, Autumn 2022, 23-38
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.30676.1837

Advices for Iranian Anthropology with Emphasis on the Critical Review on the Book *People and Lands*

Parvin Ghasemi*

Abstract

This paper seeks to address aspects of contemporary Iranian anthropology by focusing on one of the works of Margaret Mead, a prominent American anthropologist. One of these aspects goes back to the introduction of a less-known work by Margaret Mead in Iran. In this regard, the position of classical works in Iranian academic anthropology is discussed. Anthropology, in the work of Margaret Mead, is based on philanthropy, presence, understanding, theorizing, as well as futurism in the past. The principles of understanding this type of anthropology is imagination, writing, philanthropy, movement, and seeing. Without addressing the classics in anthropology education, current Iranian academic education pays less attention to these basic works in anthropology. Iranian university anthropology, its curricula, the quantity and quality of student participation in curriculum design and development, need to be reviewed and revised. Reviewing classical works, extracting hidden and obvious principles in these texts and compiling curricula based on those principles according to the needs of this science taken from the opinions of students and graduates, will be effective in improving this area.

Keywords: Classical Anthropology, Curriculum, Iranian Anthropology, Anthropology as Science, Art

*PhD of Anthropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran,
parvingh90@gmail.com

Date received: 09-05-2022, Date of acceptance: 30-08-2022



توصیه‌هایی برای انسان‌شناسی ایرانی؛ با تأکید بر نقدوارزیابی کتاب *آدمیان و سرزمین‌ها*

پروین قاسمی*

چکیده

این نوشتار درصدد است تا با تمرکز بر یکی از آثار مارگارت مید (Margaret Mead)، انسان‌شناس برجسته آمریکایی، به اهمیت مغفول‌مانده این آثار در انسان‌شناسی معاصر ایرانی بپردازد. طی نقدوارزیابی این کتاب، بازگشت به اصول و اساس انسان‌شناسی آثار کلاسیک که در ایران کم‌تر به‌عنوان منبع درسی معرفی می‌شوند، اشاره خواهد شد. بدین منظور به جایگاه آثار کلاسیک در انسان‌شناسی دانشگاهی ایران پرداخته می‌شود. انسان‌شناسی، در آثار مارگارت مید، مبتنی بر انسان‌دوستی، حضور، فهم، نظریه‌مندی، نظریه‌سازی، و هم‌چنین آینده‌نگری بر مبنای گذشته است. مبانی فهم این نوع از انسان‌شناسی تخیل، نوشتن، انسان‌دوستی، حرکت و دیدن است. بدون پرداختن به آثار کلاسیک در آموزش انسان‌شناسی، آموزش‌های رایج دانشگاهی ایرانی کم‌تر به این مبانی اولیه در انسان‌شناسی توجه می‌کند. انسان‌شناسی دانشگاهی ایران و برنامه‌های درسی آن و کمیت و کیفیت مشارکت دانشجویان در طراحی و تدوین برنامه درسی نیازمند بازنگری و تجدیدنظر است. مرور آثار کلاسیک، استخراج اصول پنهان و آشکار در این متون، و تدوین برنامه‌های درسی مبتنی بر آن اصول باتوجه‌به نیازهای این علم برگرفته از نظرهای دانشجویان و دانش‌آموختگان در غنای آن مؤثر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: انسان‌شناسی کلاسیک، انسان‌دوستی، برنامه درسی، انسان‌شناسی ایرانی، علم - هنر.

* دکتری انسان‌شناسی دانشگاه تهران، parvingh90@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸



۱. مقدمه

انسان‌شناسی چیست؟ چه کاربردهایی دارد؟ چه آثاری برای فهم و درک انسان‌شناسی به ما کمک می‌کنند؟ پیش آمده است که آثار افرادی در سایر رشته‌های دانشگاهی، در زمره نوشته‌های انسان‌شناسانه معرفی شوند، اما به سختی می‌توان آثار و نگرش آن‌ها را در زمره آثار انسان‌شناسی قرار داد. برخی از این مورخان و ادیبان مانند جلال آل‌احمد یا علی شریعتی، در کتاب *ابعاد سیاسی فرهنگ معاصر ایران* (فاضلی ۱۳۹۶)، انسان‌شناس معرفی شده‌اند، درحالی‌که براساس سنجه‌های انسان‌شناسی، پژوهش‌های آن‌ها انسان‌شناسانه نیست (بنگرید به قاسمی ۱۳۹۲). برای پاسخ‌دادن به پرسش‌های فوق و هم‌چنین یافتن معیار و سنجه مناسب، نیاز است به آثار کلاسیک مراجعه شود. این پژوهش‌ها سنجه مناسبی برای ترسیم خط تمایز آثار انسان‌شناختی و غیر آن هستند. از این ره‌گذر، در این مقاله سعی خواهد شد تا به یکی از آثار مارگارت مید به نام *آدمیان و سرزمین‌ها*^۱ (۱۳۸۸) پرداخته شود که نشر نی در ۳۳۰ صفحه آن را منتشر کرده است. تلاش مارگارت مید در این اثر و آثار دیگرش مبتنی بر نگاه انسان‌شناختی او شکل گرفته است. مارگارت مید پژوهش‌های انسان‌شناختی بسیاری انجام داده است که هرکدام از آن‌ها از شهرت جهانی برخوردارند. با جست‌وجوی ساده در گوگل می‌توان فهرستی از آثاری یافت که مید نویسنده یا ویراستار آن‌ها بوده است. یکی از کتاب‌هایی که این بانوی انسان‌شناس منتشر کرده *آدمیان و سرزمین‌ها* (مید ۱۳۸۸) است که مانند کتاب‌های *بلوغ در ساموا* (Mead 1928) یا حتی *غریزه جنسی و سرکوب آن در جوامع ابتدایی* نوشته مالینوفسکی (۱۳۸۷) شهرت و نام‌داری جهانی ندارد. در ارجاع به آثار مارگارت مید در بیش‌تر منابع درسی انسان‌شناختی فارسی، به‌طور معمول، کتاب *آدمیان و سرزمین‌ها* کم‌تر منبع معرفی شده است. برای نمونه، در کتاب *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی* (فکوهی ۱۳۸۱)، به دو اثر ویرایش‌شده به‌قلم مید و هم‌چنین کتاب‌هایی به‌قلم او با نام‌های *بلوغ در ساموا* (Mead 1928)، *مراحل رشد در گینه نو* (Mead 1930)، *جنسیت و منش در سه جامعه بدوی* (Mead 1935)، *مرد و زن* (Mead 1949)، *استمرار در تکامل فرهنگی* (Mead 1964) ارجاع داده شده است، اما از کتاب *آدمیان و سرزمین‌ها* (۱۳۸۸) یا کتاب *فرهنگ و تعهد؛ پژوهش در باب شکاف نسل‌ها* (۱۳۸۵)، که شهرت جهانی کم‌تری دارند، نشانی نیست. در ادامه، بخش‌هایی از مصاحبه با دانشجویان انسان‌شناسی دانشگاه تهران هم آمده است که نشان می‌دهد آثار کلاسیک، حتی آثار مشهور مید یا دیگر انسان‌شناسان کلاسیک، کم‌تر منابع درسی معرفی می‌شوند.

مید کتاب *آدمیان و سرزمین‌ها* (۱۳۸۷) را در دهه پایانی زندگی خود نوشته است. این کتاب مبتنی بر نگاه و نگرش انسان‌شناختی انسان‌شناس مجربی است که تجارب و میدان‌های مختلفی از سر گذارنده است. به جرئت می‌توان گفت که این کتاب از غریزه زنانه «حفظ انسان» در نویسنده‌ای که شاهد دو جنگ جهانی اول و دوم بوده است، متأثر است. روایت کتاب نگاه او به جنگ، انسان، و تعدد سرزمین‌ها و فرهنگ‌هایی است که روی زمین پراکنده‌اند. گروه مخاطب این اثر نوجوانان‌اند. کتاب به زبان ساده و روان نوشته شده است. با وجود غلبه زبان ساده و روان مختص کودکان و نوجوانان، نگاهی عمیق بر اثر حاکم است، به طوری که برای بزرگسالان نیز جذاب و گیراست. هرچند کتاب برای نوجوانان نوشته شده است، به دلیل این‌که عصاره‌ای است از نگاه مید کهن سال به انسان و انسان‌شناسی در دوران پرتلهاب بعد از دو جنگ جهانی اول و دوم و هم‌چنین به دلایلی که در ارزیابی محتوایی در ادامه نشان داده‌ام، این اثر می‌تواند در کنار دیگر آثار کلاسیک انسان‌شناختی سنجه مناسبی برای خط فصل آثار انسان‌شناسی از غیرانسان‌شناسی و حتی آثار انسان‌شناسی ایرانی تلقی شود. با درک و فهم این اثر، بازگشت به خویشتن انسان‌شناسی در آثار یکی از سردم‌داران انسان‌شناسی دنیا، بازتعریفی از چیستی این شاخه از علم ممکن و میسر می‌شود. بازگشت به اصل و بنیان هر شاخه علمی برای فعالان هر حوزه علمی ضرورت دارد. در انسان‌شناسی ایران، علاقه‌مندان به این حوزه که وارد دانشگاه می‌شوند در کتب نظری و تئوری و حتی حوزه‌های نامرتبط با انسان‌شناسی غرق می‌شوند. آن‌ها در کلاس‌های درس کم‌تر به این منابع اصلی ارجاع داده می‌شوند و کم‌تر با این آثار روبه‌رو می‌شوند. شناخت این اصول و بنیان‌ها تحولی در انسان‌شناسی معاصر ایرانی را موجب خواهد شد. طی مصاحبه‌ای با دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته انسان‌شناسی دانشگاه تهران، که مقطع کارشناسی را در گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران گذرانده‌اند، درباره دروس کلاس‌های دوره کارشناسی بحث و گفت‌وگو شد. یکی از پرسش‌ها این بود که آیا آثار مارگارت مید یا دیگر انسان‌شناسان کلاسیک در کلاس‌های درس به‌عنوان منابع درس معرفی می‌شوند؟ در این گفت‌وگوها اشاره شد که به‌طور معمول کتاب‌هایی استادان منتشر کرده‌اند که در کلاس‌ها تدریس می‌شوند و کم‌تر متون کلاسیک انسان‌شناختی به‌عنوان منابع درسی معرفی می‌شوند. در نشست دیگری از انسان‌شناسان دانش‌آموخته و فارغ‌التحصیلان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد، به‌طور مشخص از مطالعه کتاب سرکوب غریزه جنسی^۲ و کتاب *بلوغ در ساموا* (Mead 1928) پرسش شد. هیچ‌کدام از آن‌ها این کتاب‌ها و نیز کتاب کم‌تر شناخته‌شده *آدمیان و سرزمین‌ها* (۱۳۸۸) را نخوانده بودند.

۲. معرفی اثر

مارگارت مید، در *آدمیان و سرزمین‌ها* (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی را با زبان ساده و روان به خوانندگان نوجوان معرفی می‌کند. قسمتی زیر عنوان «انسان، انسان را می‌شناسد» به انسان‌شناسی و کار انسان‌شناس و انسان‌ها توأمان اشاره می‌کند: «مردم‌شناس^۳ می‌کوشد مکان، زمان، چگونگی و سلسله‌مراتب دقیق روی‌دادها را روشن کند» (مید ۱۳۸۸: ۲۱۵). در فصل دوم، با عنوان «برخی از اقوام چگونه زندگی می‌کنند»، به ترتیب زندگی قبایل اسکیمو در سرمای قطبی، سرخ‌پوستان دشت‌های وسیع آمریکای شمالی، آشناتنی‌های آفریقای غربی، مردم بالی در دریای مدیترانه، و مینوسی‌های جزیره کرت از میان قبایل دنیا توصیف می‌شوند. در این فصل، روی‌دادها و اتفاقاتی که این قبایل از سر گذارنده‌اند شرح داده شده است. مید تأکید می‌کند که باوجود «تفاوت‌های محسوس میان این اقوام، هنوز به شیوه‌های بسیار متفاوت زندگی آدمیان نپرداخته‌ایم» (همان: ۲۳۳).

هر جامعه راه‌بردهای فرهنگی خاص خودش را برای حل مسائل دنیای پیرامونش ارائه می‌دهد. طرح پرسش و مطالعه آن در میان جوامع از روش‌های کاربردی در انسان‌شناسی است که تا اندازه‌ای متفاوت با دیگر رشته‌های دست‌اندرکار مطالعه انسان است. به‌عنوان مثال، در روان‌شناسی، مهیاساختن شرایط آزمایشی با دو نمونه شاهد و کنترل در بررسی رفتارهای کودکان عملی و قابل‌تصور است، اما ساخت گروه آزمایشی و شاهد با موضوع تربیت کودکان در محیط و تمدن‌های مختلف و مطالعه واکنش آن‌ها در موقعیت‌های مختلف تقریباً ناممکن است. در علم انسان‌شناسی، شیوه اصلی پاسخ‌گویی به پرسش (های) تحقیق این است که محقق تمدن‌های مختلف و افراد بشر را مطالعه کند که در اوضاع فرهنگی مختلف در دیگر نقاط گیتی زندگی می‌کنند (مید ۱۳۶۵: ۳۷). این تمایز و تفاوت روشی انسان‌شناسی با دیگر علوم در قسمت پایانی فصل دوم آمده است. در این جا مید به تفاوت کار مردم‌شناس با شاعر، نقاش، و نمایش‌نامه‌نویس اشاره کرده است:

برای درک فرهنگ یک قوم حتماً باید همه خصوصیات آن قوم را بدانیم؛ کجا زندگی می‌کنند، چه می‌خورند و غذایشان را از کجا به‌دست می‌آورند، چه نوع خانواده‌ای دارند، بچه‌هایشان را چه‌طور بزرگ می‌کنند، با چه دیدی به جهان می‌نگرند و نحوه برخورد و رفتارشان با بیگانگان و عقاید تازه چگونه است» (مید ۱۳۸۸: ۸۶).

در فصل بعدی، مارگارت مید وضعیت این قبایل را در دنیای معاصر که متأثر از تغییرات سریع جهان‌اند، تشریح می‌کند. مخاطب کتاب با خواندن جزئیات زندگی این قبایل

از گذشته تا اکنون، در پنج جامعه و فرهنگ مختلف از گذشته تا امروز، نکات بسیاری از تنوع، تفاوت، و درعین حال شباهت‌های رفتار انسانی را درک می‌کند.

فصل اول با نام «انسان، انسان را می‌شناسد» به «انسان از انسان جویا می‌شود» در فصل پایانی می‌رسد. در فصل آخر کتاب، نگارنده به دانش مشترک میان همه اقوام و گام‌هایی که باید برداشته شود پرداخته است. سه بحران اصلی دنیای کنونی از نگاه وی جنگ، دست‌رس‌پذیری پیشرفت‌های جوامع صنعتی برای کل دنیا، و چگونگی اطلاع‌رسانی تحولات شگفت‌انگیز به همه مردم جهان است. نویسنده، در ادامه و به صورت گذرا، به مسائل دیگری مانند ضرورت شکوفاشدن استعداد های نهفته در همه انسان‌ها اشاره می‌کند. حل و فصل بحران جنگ، که در واقع مهم‌ترین مسئله دنیای امروز از منظر مید است، بیش از همه مورد تأکید نویسنده است. مید در خطوط پایانی کتاب هشدارگونه و خطاب به انسان‌های روی زمین آن‌ها را دعوت می‌کند تا از انسان و ماحصل تلاش‌هایش در تاریخ زمین محافظت کند:

یک بار دیگر به مرحله‌ای از تاریخ می‌رسیم که انسان سخت باید مواظب کارهای خویش باشد؛ مرحله‌ای که ایمنی تمام گروه بستگی به مردان و زنانی دارد که در کودکی آموخته‌اند زندگی در سده بیستم شبیه پرش با چتر نجات است: همان نخستین بار باید موفق شد، بار دومی در کار نیست (همان: ۳۱۳).

۳. ارزیابی محتوایی

ارزیابی این اثر با تمرکز بر ابعاد و ویژگی‌های قابل‌شناخت انسان‌شناسی مستتر در آن انجام خواهد شد و بیش‌تر به نقش آموزشی محتوای این اثر بازمی‌گردد.

۱,۳ انسان‌شناسی انسان‌دوستی (philanthropic) است

انسان‌شناسی در آثار مارگارت مید همواره انسان‌دوستی خاصی را تداعی می‌کند. در مقام مقایسه، این ویژگی در آثار مید با آثار دیگر انسان‌شناسانی چون مالینوفسکی (Malinowski) متفاوت است. انسان‌دوستی خاص این اثر مید موجب می‌شود تا خواننده درباره ماهیت و چگونگی حفظ انسان از خطرهایی که در کمین او نشسته است، بیندیشد. درباره مالینوفسکی با وجود افشای خاطرات وی از مطالعات میدانی او در کتاب روزنوشت

به معنای واقعی کلمه (Malinowski 1989)، نیز این بعد اخلاقی انسان‌شناسی دیده می‌شود. در آثار انسان‌شناسانی که علم و تحقیق و اخلاق را درهم آمیخته‌اند، بارقه‌هایی از تعلق خاطر به جوامع مورد مطالعه دیده می‌شود. البته تفاوت‌هایی در این تعلق خاطر به جوامع دیده می‌شود. برای درک بیش‌تر به یکی از آثار انسان‌شناختی مالینوفسکی به نام سه گزارش از مردم بدوی (ابتدایی‌ها)^۴ (۱۳۸۹) اشاره می‌کنم. در فصل‌های ابتدایی کتاب، مالینوفسکی همواره دورکهایم (Durkheim) و دیگر نظریه‌پردازان را به دلیل درک نادرست از قواعد و قوانین زندگی جوامع ابتدایی و اشاعه تصور غلط و ساده‌انگارانه از جوامع بدوی در تیررس آماج انتقادات خود قرار می‌دهد. مالینوفسکی در این اثر سعی می‌کند اساس و بنای شناخت درست و نزدیک به زندگی و اندیشه دیگری در جامعه مورد مطالعه را معرفی کند. پنداشته‌های محقق شناخت فرهنگ میدان مورد مطالعه را به انحراف می‌کشاند. بنابر شناخت «دیگری، همان‌طور که هست» و فارغ از پنداشته‌های ما، موجودات ابتدایی به‌عنوان موجوداتی صاحب‌اندیشه معرفی می‌شوند، هرچند مالینوفسکی در قسمت‌هایی از کتاب خود به اعضای جامعه بدوی که مسئول حمل او به محل اجرای مناسک بودند، خشم می‌گیرد و با آن‌ها تندی می‌کند. مواجهه از بالا به پایین مالینوفسکی با حامل‌های بومی او به محل‌های مورد نظرش در این اثر نیز قابل تأمل است. این قبیل رفتارهای تحقیرآمیز در آثار مید به‌طور کلی و در کتاب آدمیان و سرزمین‌ها (مید ۱۳۸۸) به‌طور خاص، دیده نمی‌شود.

۲,۳ انسان‌شناسی جزءنگر و جهان‌شمول است

سه حلقه مسائل زندگی انسان امروز، توصیف دقیق و جزئی زندگی میدان‌های مطالعاتی او، و در آخر انسان‌شناسی در اثر مید برجسته شده است که در آن محقق انسان‌شناس حلقه واسط میان این حلقه‌هاست. مشاهده شیوه‌های متفاوت زندگی در روی زمین از طریق مواجهه با تعدد قبایل با بی‌شمار شیوه‌های زندگی که در روی زمین وجود دارد، به درک و فهم انسان به مثابه موجود زنده صاحب فکر می‌انجامد. همین ویژگی به انسان‌شناسی خصلت جهان‌شمول می‌بخشد. این جهان‌شمولی کاملاً متفاوت با تحلیل جهانی بر آرا و نظریات رایج متفاوت مبتنی است. گروهی سعی دارند تا جهان را از لنز اندیشه‌های جهانی، مانند سوسیالیسم، کمونیسم، سرمایه‌داری، یا لیبرالیسم که برایشان قابل درک است مشاهده کنند. اندیشه‌های جهانی شده با مسائل جهان‌شمولی که زندگی روزمره انسان را تحت‌تأثیر قرار داده است متفاوت‌اند. مالینوفسکی (۱۳۸۹: ۱۳) به آرای دکتر ریورز (Rivers) اشاره

توصیه‌هایی برای انسان‌شناسی ایرانی؛ ... (پروین قاسمی) ۳۱

کرده است. دکتر ریورز سعی دارد با آرای کمونیستی و سوسیالیستی اقتصاد جوامع ملانزیایی را تحلیل کند. بررسی جامعه‌موردمطالعه با لنزهای نظری ازپیش‌تعیین‌شده درباره‌جامعه‌موردمطالعه سوءتفاهم ایجاد می‌کند. در ادامه همان فصل، مالینوفسکی به‌صورت طعنه‌آمیز درباره‌تأمین مالی و اقتصادی خواهر و فرزندانش توسط برادر خواهر (دایی) می‌نویسد:

دادن پیش‌کش‌های مربوط به محصولات درو در بافت جامعه‌شناسی خود و با آزمایش نزدیک روابطی که با پیش‌کش مطابقت دارند، به‌تحقق می‌رسد که هریک از معاملات که از آن‌ها این روابط ساخته می‌شوند حلقه‌ای از زنجیره‌تبادلات دوطرفه تشکیل می‌دهد، اما اگر معامله را منفرداً به‌حساب آورده و از چهارچوب خود جدا کنیم، هر معامله‌ای عاری از مفهوم و به‌طرز غیرقابل‌تحملی پرزحمت، بدون هیچ معنای جامعه‌شناختی و بنابراین بدون شک از نوع کمونیستی به‌نظر خواهد رسید (مالینوفسکی ۱۳۸۹: ۲۹-۳۲).

تمایز میان اندیشه‌ها و کلان‌روایت‌های جهانی با مسائل همه‌گیر در دنیا به هوشمندی نیاز دارد که در آثار مید به آن توجه شده است. نقدوبررسی روابط جنسی در ساموآ و هم‌چنین آرای روان‌کاوانه فروید (Freud) در کتاب *آدمیان و سرزمین‌ها* (مید ۱۳۸۸) نمونه دیگری از نقد این نوع نگاه جهان‌شمول به جنگ و روابط جنسی است که همواره مورداستفاده قرار می‌گیرد.

۳,۳ انسان‌شناسی آینده‌نگرانه و مبتنی بر گذشته‌های امروزی است

در انسان‌شناسی، میدان مطالعات سنتی و مدرن محل مناقشه و بحث میان متخصصان و کارشناسان این حوزه است. انسان‌شناسی مدرن میدان خود را در فضاهای مدرن و امروزی از قبیل مترو، کافه، محله‌های شهری، و از این دست جست‌وجو می‌کند. انسان‌شناسی سنتی قبایل خارج از خانه و ابتدایی را میدان مطالعه خود قرار می‌دهند. این‌که این مناقشه به کجا می‌انجامد و چه برسر انسان‌شناسی به‌صورت عام خواهد آمد، جای بحث دارد. در کتاب *آدمیان و سرزمین‌ها* (مید ۱۳۸۸)، وضعیت کنونی جامعه‌مدرن و تهدید دنیا به جنگ خانمان‌سوز ذهن مید را به این سوق داد تا برای پاسخ‌دادن به پرسش ذهنی کتاب، هرآنچه موردنیاز است، بررسی کند؛ حتی جوامعی که از آن‌ها جز برخی اسناد و مدارک چیزی برجا نمانده است. زمانی‌که نویسنده درباره‌جوامعی که از آن‌ها جز بقایایی اندک به‌جا نمانده است، سخن می‌راند، مطالعه از این منظر باستان‌شناختی به‌نظر می‌آید. این مطالعه

انسان‌شناختی در قبایل دورافتاده با هدف خدمت به جامعه مدرن امروزی انجام شده است. انسان‌شناسی پاسخ به سؤالاتی است درباره انسان و با تلاش برای حفظ انسان از گزند آسیب‌هایی که ممکن است جنگ‌های بزرگ انسانی و بلایای دیگر به آن وارد کند. در مقدمه کتاب آمده است که در مجله نیویورک تایمز (۱۹۶۸)، به مارگارت مید به‌عنوان «مادر دنیا» اشاره شده است. او در نقش انسان‌شناس از انسان و جایی محافظت می‌کند که انسان در آن زندگی می‌کند. او بر مبنای مطالعات خود در جوامع گذشته، برخلاف نگاه جنگ‌طلبانه ماکیاولی (Machiavelli) در کتاب شه‌ریار (۱۳۱۱)، نتیجه می‌گیرد که اتفاقاً جنگ جزئی از ماهیت انسانی نیست و انسان می‌تواند بدون جنگ نیز زندگی کند. این شیوه حتی در اولین کتاب او، بلوغ در ساموا (۱۳۶۵)، نیز مدنظر بوده است. مید در قبایل ساموا به‌دنبال طرح پاسخی برای معضل و مشکل بلوغ در میان نوجوانان آمریکایی بود. او درباره برگزیدن نگرش سنتی یا مدرن و میدان‌های مطالعاتی در میان جوامع ابتدایی یا میدان‌های مطالعاتی هم‌چون فضا‌های شهرهای مدرن معتقد است:

در تمدن‌های پیچیده اروپایی یا تمدن‌های عالی شرق، دانشجوی رشته مردم‌شناسی برای شناختن فشارهای موجود در مطالعه باید سال‌ها کوشش کند، درحالی‌که می‌تواند طی چند ماه از عهده شناخت ساخت مقدماتی یک جامعه ابتدایی که زبان نوشته‌شده ندارد و دارای مشکلات ساده‌ای است برآید. آن به‌اندازه‌ای ساده است که بتواند کسانی را که به‌شیوه زندگی آمریکا عادت کرده‌اند راه‌نمایی کند و به‌اندازه‌ای ساده است که می‌توان آن را زود فهمید (مید ۱۳۶۵: ۳۸).

با این‌وصف، می‌توان فهمید که مید اتفاقاً برای فهم جامعه کنونی دست به دامان جوامع سنتی و ابتدایی می‌شود. سادگی و کوچکی جوامع ابتدایی انسان‌شناس را در تحقق کل‌گرایی درعین‌جزء‌نگری توانا می‌سازد. مید، در رجوع به فرهنگی متفاوت با فرهنگ خودش، به آشنایی‌زدایی از فرهنگ خودی نیز می‌پردازد: «احساس قدردانی که ما نسبت به تمدن خودمان خواهیم داشت فزون‌تر می‌گردد» (همان: ۴۳).

۴,۳ انسان‌شناسی، نظریه‌محور و نظریه‌پرداز است

جایگاه نظریه در انسان‌شناسی محل بحث است (بنگرید به بارت ۱۳۹۴). نظریه چیست و اهمیت آن به‌عنوان جزئی فرعی یا اصلی در تحقیقات انسان‌شناسی چه اندازه است؟ آیا می‌توان بدون دخالت نظریه و نظریات مختلف در انسان‌شناسی تحقیق و پژوهش کرد؟ آیا

به دانش نظری در تحقیقات انسان‌شناسی نیازی هست؟ در سه گزارش اولیه از مردم بدوی (ابتدایی‌ها) (۱۳۸۹)، مالینوفسکی طی اشارات چندگانه به اصحاب انسان‌شناس و غیرانسان‌شناس در حوزه‌هایی هم‌چون اسطوره، بنای نظری مشخصی برای پژوهش خودش ساخته و پرداخته کرده است. دانش او درباره آثار و نظریاتی که در حوزه اسطوره نوشته شده است مثال‌زدنی است، اما این تمام ماجرا نیست. در طیف دیگری از نقش و اهمیت نظریه‌ها در پژوهش مارگارت مید و اثرش قرار دارند. آثار مید کم‌تر به مطالعات نظری آمیخته است. او تنها به فراروایت فرویدی از جنگ ارجاع می‌دهد، آن‌جا که فروید این‌گونه تلقین می‌کند که جنگ پدیده‌ای همواره همراه و هم‌زاد انسان است. او در اثرش، ضمن ارجاعات محدود به فروید، نظریه مختص پژوهش کتاب را می‌سازد. این‌طور به نظر می‌رسد که آن اثر مبتنی بر پرسش و گردآوری داده‌ها در جهت نظریه‌اش است. هر دوی این آثار می‌توانند در چگونگی کاربست و ساخت نظریه نقش مهم و متفاوتی در آموزش علاقه‌مندان انسان‌شناسی ایفا کنند. ساخت نظریه و کاربست آن بستگی به سبک پژوهش‌گر، آموزه‌ها، نگرش، و دانش نظری محققان دارد.

۵,۳ انسان‌شناسی هم مردانه و هم زنانه است، اما...

آیا انسان‌شناسی رشته‌ای زنانه است؟ استنلی ر. بارت (Stanley R. Barrett) (۱۳۸۸) معتقد است که زنان در نفوذ به برخی از میدان‌های تحقیق دشواری‌هایی دارند. نگاهی به آثار مالینوفسکی در کنار آثار مید نشان می‌دهد که انسان‌شناسی می‌تواند مردانه و زنانه باشد و فراتر از جنسیت، این رشته انسانانه است و جا دارد تا از این منظر به آن توجه شود. آثار انسان‌شناسان زن و مرد مثال‌های خوبی در این زمینه‌اند، اما هم‌چنان نکته‌ای برای خواننده این آثار بارز و هویداست و آن تفاوت نگاه زنانه و مردانه به ابعاد مختلف تحقیق میدانی و جامعه مورد مطالعه است. با توجه به کتاب سه گزارش از مردم بدوی (ابتدایی) و مقایسه آن با اثر مارگارت مید این تفاوت قابل فهم است. بسیاری از مردان انسان‌شناس توانستند در میدان به‌خوبی ایفا نقش کنند، ببینند، بشنوند، بنویسند، و تحلیل کنند، اما نگاه زنانه به میدان تفاوت‌هایی با نگاه مردانه دارد. مالینوفسکی به‌سان مکتبی که آن را پرورش داد و در آن پرورش یافت، کارکردگرایانه به میدان نگاه می‌کرد. ردپای احساس و توجه به انسان در آثار او دیده می‌شود. این احساسات نوشته‌های این انسان‌شناس را از دیگر آثار نگارش شده در خصوص جوامع ابتدایی متفاوت متمایز می‌کند، اما آن‌چه در آدَمیان و سرزمین‌ها می‌بینیم،

به درستی برخاسته از احساسات مادری نگران برای فرزندانش است. او سعی می‌کند مطالعه‌اش را هم‌سو با نشانه‌های نگرانی‌اش به خدمت بگیرد و به تمام دنیا اعلام کند جنگ و ویژگی طبیعی جوامع بشری نیست. زنهار و هشدار مید از ابتدا تا پایان اثر قابل توجه است. انسان‌شناسی دور از احساسات و ارزش‌های انسانی محقق نیست و این‌ها، چه به واسطه طبیعت به دست آمده باشند یا حاصل تلقین نگرش جامعه (see Braizaz 2019)، در زنان بیش‌تر دیده می‌شود.

۴. ارزیابی شکلی و فنی

این کتاب درس‌های بسیاری برای انسان‌شناسی ایران به‌همراه دارد و به همین دلیل، پیش از هر نکته باید از دست‌اندرکاران ترجمه آن بابت انتخاب این متن کلاسیک برای ترجمه تقدیر کرد، حتی اگر ترجمه برگردان کامل متن نبوده باشد! انتخاب این اثر و ترجمه آن نشانه توجه به جریان‌های تأثیرگذار انسان‌شناسی دنیاست. ترجمه خوب و روان اثر جای تحسین دارد و احساس خستگی و عدم درک از خوانش طی مطالعه آن ایجاد نمی‌شود. ویراستاری خوب و نداشتن اشتباه تایپی در این امر بی‌اثر نیست. تنها چیزی که مکرر در کتاب دیده می‌شود، افزودن پسوند «اند» در انتهای افعال بود که در برخی از موارد نیازی نبود. تأکید بر جدانویسی پسوند از کلمه اصلی به شکل غلوآمیزی در کل اثر برجسته شده بود. فعل «اند» در فعل این جمله «این اشخاص بلندند چه‌طور با ارواح حرف بزنند» (مید ۱۳۸۸: ۹۷)، و «کودکان مجبورند برای تهیه سوخت بوته جمع کنند» (همان: ۱۱۱) از این نمونه‌هایند.

در این ترجمه، همان‌طور که در بالا هم اشاره شد، هم‌چنان تقابل میان دو مفهوم «انسان‌شناسی» و «مردم‌شناسی» از گوشه‌وکنار اثر بیرون زده است. تأکید بر مفهوم مردم‌شناسی و نه انسان‌شناسی نشان می‌دهد مترجم به طیفی متعلق است که بر مفهوم مردم و اولویت‌دادن به کاربرد مردم‌شناسی بر انسان‌شناسی تأکید می‌کند. درضمن، باید یادآور شد که این‌جا بنابه ترجمه‌ای که صورت گرفته است، همواره در سرفصل‌های کتاب مفهوم «انسان» به کار رفته است و به‌طور کلی کلیدواژه اصلی متن «انسان» است و کلمه «مردم» هم به تناسب در قسمت‌های مختلف به کار رفته است. امید است با توجه به استدلال هواداران دو مفهوم انسان‌شناسی و مردم‌شناسی که اتفاقاً هر گروه استدلال‌های متقن و درخور تأمل را ارائه می‌دهند، برای خروج از این مناقشه، مفهوم مناسب و درخوری یافت شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیش‌نهادها

بازگشت به آثار انسان‌شناسان کلاسیک و خواندن آن‌ها موجب وقوع تغییراتی در کیفیت انسان‌شناسی خواهد شد. یکی از تحولات توجه به مبانی اولیه و مهم در شکل‌گرفتن این آثار به‌مثابه جوهره انسان‌شناسی است. برخی از این مبانی در بالا توضیح داده شد. این اساس و بنای آثار می‌تواند در قالب دروسی چون «پرورش احساس انسان‌دوستی»، «پرورش تخیل»، «پرورش دید»، «پرورش قوه نگارش»، «پرورش سخن‌گفتن در جامعه مدنی»، «پرورش ایده‌پردازی و پرورش انعطاف‌پذیری در میدان» تجسم وجودی پیدا کند و جای‌گزین دروس کم‌تر ضروری برای آموزش این هنر-علم شود. آدمیان و سرزمین‌ها، اثری علمی-هنری با انواع ظرافت هنری اعم از استعاره، کنایه، و ایجاز است. باوجود این نکته مستتر در انسان‌شناسی، کلیه دروس انسان‌شناسی در دانشگاه‌های ایرانی به سبک شاخه‌های دیگر علوم اجتماعی، که کماکان مبتنی بر روش‌های کمی (سنجش دروس مبتنی بر نمره‌دهی) و پوزیتیویستی هستند، طراحی و ارائه می‌شوند. یکی از انواع نگاه‌های پوزیتیویستی در نام درس‌ها نهفته است. نام واحدهای جامعه‌شناسی با حذف کلمه «جامعه‌شناسی» و افزودن واژه «انسان‌شناسی» در فهرست برنامه درسی این رشته قرار می‌گیرد. برای مثال، مابه‌ازای جامعه‌شناسی شهری انسان‌شناسی شهری در این رشته تدریس می‌شود، درحالی‌که این دو رشته تفاوت‌هایی باهم دارند که قابل تأمل‌اند. امروزه همه تفهیم‌گرایان به مفاهیم پوزیتیویستی در تحقیقات اجتماعی پیش از پیش دیده می‌شود، اما کم‌تر درخصوص چنین پوزیتیویستی برنامه درسی این رشته حرف زده می‌شود. این درحالی است که هر رشته‌ای بر مبنای دروس و شرح درس‌های آن شکل می‌گیرد. ازطرفی، آنچه محرز و هویداست دخالت‌ندادن دانشجویان انسان‌شناسی در طراحی برنامه درسی‌ای است که موردنیاز آن‌هاست. انسان‌شناسی علمی برای زندگی است و دانشجویان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری می‌توانند در طراحی دروس و برنامه‌های درسی گروه مشارکت کنند، اما بنابه تجربه زیسته من در سال‌های دانشجویی در دانشگاه تهران به‌طور معمول برنامه درسی در کلیه دوره‌ها پشت درهای بسته و توسط استادان رشته انجام می‌شود. این آن چیزی نیست که بخواهیم آن را ابداع کنیم یا در انجام‌دادن آن پیش‌رو و پیش‌گام باشیم. این امر در گروه‌های انسان‌شناسی دانشگاه‌های مطرح دنیا اتفاق می‌افتد.^۹ تأکید بر بازگشت به این بنیان‌های انسان‌شناسی تأکید بر سویه سستی انسان‌شناسی و رفتن به ماورای مرزها برای یافتن میدان مطالعاتی نیست. انسان‌شناسی تقابل حوزه سستی، مدرن، و میدان‌های

مطالعاتی فضا‌های سنتی یا شهری نیست، بلکه این علم در صدد است به ما بیاموزد که چه چیز را، چگونه، و مهم‌تر از همه چرا ببینیم. چیستی میدان و چیستی نگرش‌هایی که در میدان وجود دارد لازم و ملزوم انسان‌شناسی است. به نظر می‌رسد تأکید بر محل اختلاف حوزه و میدان‌های تحقیق انسان‌شناسی ما را از اصل و اساس این علم - هنر بازداشته و سایه خود را بر معرفی آثار کلاسیک انسان‌شناسی انداخته است. در این میان، شناخت اقدامات و میدان‌های مارگارت مید نیز می‌تواند در کاستن از دعواها و مشاجرات مؤثر باشد. او علاوه بر این که تجربه انسان‌شناسی در قبایل دورافتاده را دارد، در مقام محقق آمریکایی، درباره آمریکا و زندگی مدرن آمریکایی نیز تحقیق می‌کند و نتایج تحقیقات خود را به جامعه مدرن آمریکا ارائه می‌کند.

هم‌چنین، همان‌طور که در بالا اشاره شد، این اثر مید در واقع پاسخی است به دو جنگ جهانی که نویسنده و کشورش از سر گذرانده‌اند و جنگ‌هایی که ممکن است به ناپودی و ویرانی آینده تمدن بشری منجر شود. مید از هر فرصتی برای نشان دادن دغدغه‌اش درباره جنگ دریغ نمی‌کرد. امروزه ایران، کشورهای آسیای میانه، و بخش‌های دیگری از دنیا همواره در معرض تهدید جنگ قرار دارند. انسان‌شناسان اعم از ایرانی، عرب، ترک، آمریکایی، و اروپایی لازم است تا تمام‌قد از این میراث فکری که از مید به‌جا مانده است، حمایت کنند. نشان دادن میراث بشری به‌جامانده طی قرن‌ها از جمله اقداماتی است که انسان‌شناسی می‌تواند به دنیا عرضه کند. در کنار آن، سهم‌کردن این نگاه و نگرش با کودکان و نوجوانان این سرزمین نیز از اقداماتی است که می‌تواند در تقویت بنیه انسان‌شناختی در ساختن این دنیا نقش داشته باشد. این‌جا می‌توان پرسید که انسان‌شناسی در مخاطب قراردادن این طیف در کجا قرار دارد؟ جامعه‌شناسی، فلسفه، ریاضی، و ادبیات هر کدام در برنامه درسی نوجوانان این مرزوبوم سهمی دارند، اما سهم انسان‌شناسی کجاست؟ گذشته از سهم این رشته در برنامه درسی کودکان و نوجوانان، باید گفت سهم آن‌ها از این شاخه علمی حتی در بازار نشر کودکان نیز در نظر گرفته نشده است. انسان‌شناسی ایران رشته‌ای بالنده و روبه‌رشد است. امید است در این مسیر، نبود انسان‌شناسی ایران در قسمت‌های مختلف و باتوجه‌به نیازهای گروه‌های سنی کودکان و نوجوانان مدنظر قرار گیرد. معرفی آثار انسان‌شناختی انسان‌شناسان بنیان‌گذار به‌عنوان برنامه روزمره و جاری در مراکز آموزش انسان‌شناسی می‌تواند در ترسیم خط‌مشی آینده این رشته مؤثر واقع شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. این اثر با نام انگلیسی *People and Places* در سال ۱۹۵۹ به چاپ رسیده است.
۲. کلیه آثار نام‌برده در این مقاله بیش‌تر از سه دهه است که در ایران ترجمه و منتشر می‌شوند.
۳. در ترجمه کتاب از کلمه «مردم‌شناس» استفاده شده است. بین کاربرد یکی از این دو مفهوم انسان‌شناس و مردم‌شناس در اجتماع انسان‌شناس - مردم‌شناسان ایرانی توافق نظر وجود ندارد (بنگرید به بلوک باشی ۱۳۹۲).
۴. این اثر از نسخه فرانسوی کتاب *Trois Essais Sur la vie Social des Primatifs* (2001) ترجمه شده است.
۵. این‌جا به تجربه دکتر فاضلی در گروه انسان‌شناسی دانشگاه سواس لندن و نظرخواهی از دانشجویان برای چیدن سرفصل‌های دروس مردم‌نگاری (بنگرید به فاضلی ۱۳۹۰) اشاره می‌کنم. برای تجدیدنظر درباره دروس این رشته در دانشگاه، در کلاس درس با حضور دانشجویان و استادان، برنامه بارش فکری برگزار شد و دانشجویان هریک نظریاتشان را درباره سرفصل‌های درسی بیان کردند.

کتاب‌نامه

- بارت، استنلی ر. (۱۳۸۸)، *نظریه و روش در انسان‌شناسی برای دانشجویان*، ترجمه شاهده سعیدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۰)، *مردم‌نگاری سفر*، تهران: آراسته.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نی.
- قاسمی، پروین (۱۳۹۶)، «سنگ و شیشه»، فصل‌نامه *تقد کتاب علوم اجتماعی*، س ۴، پیاپی ۱۵ و ۱۶.
- ماکیاولی، نیکولاس (۱۳۱۱)، *شهریار*، ترجمه محمود محمود، بازیابی در: <https://www.files.tarikhema.org/pdf/adab/Sahreyar.pdf>.
- مالینوفسکی، برانسیلاو (۱۳۸۷)، *غرینه جنسی و سرکوبی آن در جوامع ابتدایی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.
- مالینوفسکی، برانسیلاو (۱۳۸۹)، *سه گزارش از زندگی اجتماعی مردم بدوی (ابتدایی‌ها)*، ترجمه اصغر عسگری خانقاه، تهران: علمی و فرهنگی.
- مید، مارگارت (۱۳۶۵)، *بلوغ در ساموآ*، ترجمه مهین میلانی، تهران: ویس.
- مید، مارگارت (۱۳۸۵)، *فرهنگ و تعهد: پژوهش درباره شکاف نسل‌ها*، ترجمه عبدالعلی دستغیب، شیراز: نوید.

۳۸ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۷، مهر ۱۴۰۱

مید، مارگارت (۱۳۸۸)، آدمیان و سرزمین‌ها، ترجمه علی اصغر بهرامی، تهران: نی.
هیلند اریکسون، توماس و فین سیورت نیلسن (۱۳۸۷)، تاریخ انسان‌شناسی (از آغاز تا امروز)،
ترجمه علی بلوکباشی، تهران: گل‌آذین.

Braizaz, Marion (2019), "Femininity and Fashion: How Women Experience Gender Role Through their Dressing Practices", *Cadernos de Arte e Antropologia*, vol. 8, no 1.

Malinowski, Bronislaw (1989), *A Diary in the Strict Sense of the Term*, Stanford University Press.

Mead, Margaret (1930), *Growing Up In New Guinea*, New York: Blue Ribon.

Mead, Margaret (1935), *Sex and Temperament in Three Primitive Societies*, New York: Morrow.

Mead, Margaret (1949), *Male and Female*, New York: Morrow.

Mead, Margaret (1964), *Continuities in Cultural Evolution*, New Haven: Yale University Press.